

نقش حجاب زنان در سلامت روانی اجتماع و راهکارهای مقابله‌ای با فرهنگ بدحجابی

سحر صفرزاده*

چکیده

زنان هر کشور نیمی از افراد جامعه را تشکیل می‌دهند و سازندگان و پرورش دهندگان نسل آینده‌اند و در عین حال منبع انسانی بالقوه و مهمی در توسعه علمی، اجتماعی و فرهنگی کشور محسوب می‌شوند. بنابراین باید با در نظر گرفتن جایگاهشان در نظام اسلامی و شناخت موقعیت کنونی آنان به گونه‌ای برنامه‌ریزی شود تا امکان پرورش کامل استعدادهایشان مهیا گردد و با کاهش فاصله بین قابلیت‌های عملی زنان و مردان، بسیاری از مشکلات روانی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی حل شده و از طرفی تمام اعضای خانواده و اجتماع در بهره‌وری از این پدیده سهیم شوند. یکی از راه‌های رسیدن به چنین هدفی، حفظ حجاب بانوان در اجتماع است. حضور زنان و مردان در جامعه به صورتی که هیچ‌گونه تحریک و شائبه جنسی با آن همراه نباشد، آن جامعه را استوار و مستحکم می‌کند. در کل عفت و ورزی زن و مرد در محیط تحصیل و کار و... زمینه‌ساز سلامت، پیشرفت و تعالی جامعه خواهد شد. در راستای مطالب بالا این مقاله سعی دارد با ذکر شواهد و دلایل، به تحلیل منطقی اشاعه فرهنگ حجاب در بین زنان پرداخته و از این طریق روش‌های چندی در زمینه بهبود جامعه و قضای روانی اجتماع را ارائه نموده و در پایان راهکارهای مقابله‌ای مناسب با بدحجابی را پیشنهاد نماید.

کلیدواژگان: حجاب، سلامتی روانی اجتماع، راهکارهای مقابله‌ای.

«حجاب المرئنه انعم لخالها و جمالها»

«حجاب زن برای طراوت و زیبایی‌اش مفیدتر می‌باشد»

﴿امام صادق (علیه السلام)﴾

مقدمه

اینک در مقطع حساسی از زمان قرار داریم و علوم و دانش بشری روز به روز گسترده می‌شود و بانوان مسلمان باید همراه با تمدن و کاروان علم و دانش حرکت کنند و به هنگام ضرورت در تمام عرصه‌های علمی،

* دانشجوی دکتری روان‌شناسی عمومی و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز

اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی اقتصادی حضور فعال داشته باشند. اما به دلیل تفاوت در شیوه پوشش زن و مرد تصور بر این است که نمی توان زنان را در عرصه های فعال اجتماعی دید. به عبارت دیگر بعضی از اندیشمندان اسلامی بر این باورند که بخشی از مسئولیت های اجتماعی بانوان فقط در پرتو رعایت حجاب امکان پذیر است. اگر زن به پوشش اسلامی مجهز شود می تواند وظایف اجتماعی خود را به شایستگی انجام دهد (شریعتی، ۱۳۷۴). اسلام از طریق نهادهای نهادینه کردن حجب، نیروی عظیم زنان را بدون آنکه در چارچوب جاذبه های جنسی اجتماع به هرز برود، در خدمت اهداف و فعالیت های مفید جامعه قرار می دهد. زنی که در پرتو چنین حجابی در صحنه های اجتماعی حضور می یابد، صرفاً به عنوان یک نیروی فعال، درست همپای مردان مورد توجه قرار می گیرد و نقش های جنسی او باعث تبدیل شدنش به عروسکی برای ارضای نگاه های هوسبازان و در واقع خارج شدن از گردونه فعالیت های جدی اجتماعی نمی شود (باشگاه اندیشه، ۱۳۸۶). در عین حال زن در اسلام جایگاه رفیعی دارد و رسول اعظم (ص) پرچمدار نهضتی است که به زن ارزش و حتی رجحان داده است. «ایشان اشاره به قرار داشتن بهشت در زیر پای مادران نموده» چنانچه قرآن، زن رازینت می داند و امام خمینی (ره) فرمودند: «مری انسان ها، زن است». شهید مطهری نیز در کتاب مسئله حجاب نوشته اند: «زن مرد را می سازد و مرد تاریخ را» و حتی افرادی چون دنزین (۱۹۸۹)، استون (۱۹۷۶) و گریور^۲ (۱۹۶۱) کتاب هایی در مورد تاریخ زن سالاری نوشته اند. با این حال اصلاح و فساد جوامع بشری بستگی مستقیم به اصلاح و فساد زن دارد (گرچی، ۱۳۸۵). این مطالب تا حدودی دلیل مهم بودن حجاب را نشان می دهد. اما این همه، موهبت های حجاب نیست. حجاب به دلیل پوشیده داشتن جاذبه های جنسی زن، او را از تعرض متجاوزان محفوظ می دارد و از سوی دیگر، منحصر کردن ایفای نقش های جنسی در محیط خانواده، کانون های خانوادگی را گرم و پرمحبت و مستحکم می سازد و سلامت جامعه را به دنبال دارد (باشگاه اندیشه، ۱۳۸۶). در قرآن کریم نیز آمده است، که: «ای پیامبر، به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو جلبها (روسری های بلند، چادر) خود را بر خویش فرو افکنده تا شناخته نشوند و مورد آزار قرار نگیرند» (سوره مبارکه احزاب، آیه ۵۹).

پوشش زنان باعث می شود تمتعات جنسی منحصر به محیط خانه شود و در نتیجه، باعث حفظ اجتماع و استفاده کامل از نیروی فعال آن گردد، در حالی که حضور زنان بی حجاب و بدحجاب که دل مردان را سست اراده و ایمان را می ربایند باعث رکود فعالیت اجتماعی و عدم موفقیت در تحصیل علم در مراحل مختلف و فعالیت اجتماعی می شوند (محمدی نیا، ۱۳۸۰). در کل وجود حجاب مناسب و پوشش خوب در زنان باعث تمرکز اکثر انرژی مردم (چه زن و چه مرد) بر روی پیشرفت و بالندگی شده و محیطی امن و سالم از نظر روانی و جسمانی برای ساکنان اجتماع میسر می شود. در راستای مطالب بالا هدف از انجام این پژوهش بررسی نقش حجاب زنان در بهبود وضع روانی و ایجاد فضای سالم در اجتماع و در عین حال بیان راهکارهای مقابله ای مؤثر با پدیده بدحجابی و بی حجابی است.

۱. Denzin

۲. Stone

۳. Graves

بیان مسئله

گسترش فحشا و افزایش فرزندان نامشروع از دردناک‌ترین پیامدهای بی‌دینی و بی‌حجابی است و دلایل آن مخصوصاً در جوامع غربی کاملاً عیان می‌باشد. همین مسائل باعث شده نویسندگان و پژوهشگرانی چون؛ آلمن و همکاران^۱ (۱۹۹۲)، آساگیلویی^۲ (۱۹۸۶) و فارو^۳ (۱۹۸۴) و بسیاری دیگر به کنکاش درباره مفهوم معنویت و تجربه‌های معنوی و دینی بپردازند. با توجه به اینکه بی‌دینی و متعاقب آن برهنگی سرچشمه انواع جنایتها در جوامع انسانی بوده و هستند، ابعاد خطرناک این مسأله روشن تر می‌شود. مثلاً بارها دانشمندان انگلیسی به مقامات آن کشور خطرات فساد در خانواده‌ها را اعلام کرده‌اند زیرا این مشکل به طریقی است که در بسیاری از مسائل و پرونده‌های جنایی ردپایی از آن دیده می‌شود. آمارهای قطعی و مستند نشان می‌دهند که با افزایش برهنگی در جهان، طلاق و از هم گسیختگی زندگی زناشویی به طور مداوم بالا رفته و تعداد فرزندان نامشروع زیاد گشته است.

برعکس در محیطی که دین، حجاب و موازین دیگر اسلامی رعایت می‌شود، همسران احساسات‌شان، عشق و عواطف‌شان مخصوص یکدیگر است، اجتماع سالم بوده و مردم با احساس آرامش زندگی می‌کنند. ولی در بازار آزاد برهنگی دیگر قداست پیمان زناشویی مفهومی نمی‌تواند داشته باشد و خانواده‌ها، همچون تار عنکبوت به سرعت متلاشی می‌شوند و کودکان بی‌سرپرست می‌مانند. در عین حال نتایج تحقیق پژوهشگرانی چون ال‌کینز و همکارانش^۴ (۱۹۸۸) نشان می‌دهند تجربه‌های مذهبی، اغلب باعث جابجایی و تغییر در ارزش‌های اخلاقی فرد می‌شود و این جابجایی در جهت دور شدن از مادی‌گری و به سمت یاری و نوع‌دوستی متمایل است. همچنین هی^۵ (۱۹۸۲) طی بیان نتایج پژوهش خود نشان داد همه افرادی که تجربه‌های مذهبی خود را گزارش کرده‌اند، در مقایسه با دیگران در سطح بالاتری از سلامت روانی قرار داشته‌اند. این مسئله در تحقیق دیگری که توسط هی و مورسی^۶ (۱۹۷۸) انجام شد تأیید گشت.

موارد بیان شده در بالا لزوم تحقیق در زمینه این سؤال را برمی‌انگیزد که آیا این همه جنایات از بی‌حجابی و آزادی بدون قید و شرط فرهنگ فاسد سرچشمه می‌گیرد؟ و در عین حال نقش حجاب زنان در بهبود جامعه و فضای روانی افراد اجتماع تا چه میزان می‌تواند مؤثر باشد؟ و در صورت حضور بی‌حجابی و بد حجابی چه راهکارهای مقابله‌ای می‌تواند کمکی برای کنترل این پدیده باشد؟

نظرات مختلف در مورد حجاب

در مورد حجاب و ثمرات این نوع پوشش در زنان، افراد مختلف در ادیان متفاوت نظرات و یافته‌های تجربی گوناگونی را بیان کرده‌اند که در اینجا به ذکر برخی از آنها اهتمام می‌ورزیم؛
ساجیکو موراتا^۷ (که اهل ژاپن و دارای مدرک دکترای الهیات است) در مورد حجاب بیان می‌کند؛ «اصولاً

۱. Allman & et al

۲. Assagioli

۳. Farrow

۴. Elkins & et al

۵. Hay

۶. Morisy

۷. Sachikoo Morata

طبع هر انسانی طالب کشف تنوع هاست. وقتی زنان به شکل امروزی مکشوفه باشند چیزی برای جلب توجه مرد باقی نمی گذارند. هر چیز با اهمیتی وقتی چندین بار رویاروی قرار گیرد، اهمیت خود را از دست می دهد و این موضوع در عدم تحکیم روابط زناشویی نقش بسیار مهم و مؤثری دارد» (محمدی نیا، ۱۳۸۰).

آلفرد هیچکاک^۱ فیلمساز مشهوری است که نظرش را در مورد حجاب اینگونه بیان می کند «من معتقدم که زن باید مثل فیلمی پر هیجان باشد. بدین معنی که ماهیت خود را کمتر نشان دهد و برای کشف خود، مرد را به نیروی تخیل و تصور زیادتری وادارد. باید زنان پیوسته به همین شیوه رفتار کنند، یعنی، کمتر ماهیت خود را نشان دهند و بگذارند مرد برای کشف آنها بیشتر به خود زحمت بدهد» (مطهری، ۱۳۸۵).

برتراند راسل^۲ نیز در مورد فواید پوشش مناسب برای زنان اینگونه می نویسد که؛ «از لحاظ هنر، مایه تأسف است که به آسانی به زنان بتوان دست یافت و خیلی بهتر است که وصال زنان دشوار باشد، بدون آنکه غیر ممکن گردد» (محمدی نیا، ۱۳۸۰).

سبب شناسی بدحجابی و بی حجابی

حجاب در لغت به معنی پوشش و در اصطلاح به این معنی است که زنان خود را از نامحرمان پوشانند. حجاب در واقع دستوری است الهی از طریق خدای تعالی که بنا به فرمایش بزرگان زنان با رعایت آن به مقام والای انسانی خود خواهند رسید (عزیزی، ۱۳۸۵).

در عین حال پوشش زن در برابر نامحرم، یکی از مسائل مهم است که در قرآن بدان تصریح شده و فقههای اسلامی، در واجب بودن آن اتفاق نظر دارند. بنابراین در اصول مطالب از جنبه قرآنی و اسلامی آن تردیدی نیست (رجبی، ۱۳۸۵). در عین حال حجاب می تواند باعث سلامت روان جامعه نیز باشد. ولی با این همه ویژگی مثبت عیان و بارز برخی انسان ها چگونه می توانند به ترویج بدحجابی بپردازند؟ و سبب این همه بدحجابی و بی حجابی چیست؟

دزدان عفت و غارتگران استعمار، برای اذهان با وسیله قرار دادن زنان به عنوان یک کالا، می خواهند زنان را که نیمی از جامعه انسانی هستند، به راحتی از درون تهی کنند (بنی حسن، ۱۳۸۶). در کل شناخت عوامل مؤثر در سیر نزولی توجه به عفاف و حجاب می تواند ما را در تبیین هر چه بهتر راهکارهای مقابله ای مناسب با بدحجابی و بی حجابی یاری دهد، که از جمله آنها به شرح زیر می باشند (عامری، ۱۳۸۶):

۱) تبیین نشدن شایسته فرهنگ دینی

برخی افراد مؤثر در دین (انسان ها مثل پدر و مادر و...)، از برنامه ریزی برای تبیین و استمرار فرهنگ دینی که حجاب و عفاف نیز جزو آن است غافل شدند و همین عامل باعث ترویج بدحجابی و دوری از عفاف در زنان شده است.

۲- بحران سازی های متعدد دشمنان حجاب

در واقع انسان موجودی بسیار پیچیده تر از آن است که ما تصور می کنیم (نظیری، ۱۳۷۷). به همین دلیل گرفتاری ها و بحران هایی از قبیل بحران های اقتصادی، سیاسی، امنیتی، تنش های اجتماعی و جنگ که افراد

۱. Allfred Hichkak

۲. Bertrand Rassel

را از توجه به ضروریات زندگی دور می کند و همه انسان ها مصادیق بسیاری از آن را شاهد بوده اند باعث کنار رفتن ترویج فرهنگ پوشش مناسب در زنان می شود.

۳) سیاستهای فرهنگی

عرصه های فرهنگی به افراد خوش ذوق، متعهد، متین و متخصص نیازمند است که به صورت دقیق و عمیق بتواند مسائل دینی را از منابع غنی فهمیده و به شیوه صحیح ارائه دهند تا برای جوانان و نوجوانان، مسئله دین و حجاب به شکل یک پدیده جالب و جذاب در آید. نبودن این سیاست ها می تواند یکی از عوامل بدحجابی در جوامع بشری باشد.

۴) ترویج تساهل و تسامح

افرادی که حجاب را قید و بندی برای خود احساس کرده و مراعات آن را با آزادی مادی و جسمی خود سازگار نمی دانند و به دنبال راحتی و آسان بودن زندگی می باشند، خیلی زود به افکار و عقاید مخالف حجاب که در این زمینه القاء می شود، گرایش پیدا می کنند که این مسئله می تواند خود راهی برای ترویج بدحجابی و ناامنی اجتماعی باشد.

۵) بالا رفتن سن ازدواج

بالا رفتن سن ازدواج، رعایت حجاب و عفاف را مشکل می کند. مشکلاتی از قبیل: خواسته های خانواده طرفین، نبودن درآمد، شغل و مسکن مناسب سبب شده است که جوانان از ازدواج دوری گزیده و با هزینه های کمتری به ارضای غریزه خود بپردازند. از طرف دیگر طبع زن که طبیعتی جلوه گر و خودنما در برابر جنس مخالف است، اگر از راه های خدادادی و مشروع ارضاء نشود طبیعتاً سراغ راه های دیگر و ناصحیح می رود و این مسلم است که بالا رفتن سن ازدواج بر پایین آمدن سطح حجاب و عفاف و برعکس، بی بند و باری و بی عفتی بر بالا رفتن سن ازدواج اثر متقابل می گذارد.

۶) عقب نشینی نیروهای مذهبی به دلیل عدم به کارگیری روش صحیح در اجرای احکام در ادیان مختلف

افراط و تفریط ها در اجرای احکام در جوامع بشری می تواند دستاویزی برای دشمن علیه نیروهای متمدن شده و باعث گردد که آنها را به ناحق نیروهای خشونت طلب معرفی کنند و باعث عقب نشینی شان شوند. عقب کشیدن نیروهای مذهبی نیز میدان را برای تبلیغات فرصت طلبان در زمینه بدحجابی و بی حجابی باز می کند.

۷) وجود مسائل و مشکلات درونی و تصویر غلطی که زنان جامعه از خود دارند

تصویری که زنان در جامعه از خود دارند، تصویر صحیحی می تواند نباشد و خود آنان نیز از این مسئله راضی نباشند. متأسفانه زن به عنوان جنس ضعیف موجودی انفعالی و عامل ارضای غریزه جنسی، ناکارآمد و حاشیه ای معرفی می شود. داشتن چنین تصویری در مورد زن، باعث تشویق زنان به پوشش نامناسب می شود که البته این خلاف تصویری است که مذهب و دین آزاد ترسیم می کند.

۸) تلاش دشمنان حجاب برای جدایی جوانان خصوصاً دختران از کانون خانواده

زیرا با جدایی آنان از خانواده ارضای عاطفی صورت نمی گیرد و آسیب پذیری و آمادگی برای القانات بیگانه دوچندان می شود.

۹) بیگانگان با اتخاذ راهکارهایی برای عدم کارایی فرهنگ دینی و با شعارهای فریبنده و سست کردن اعتقادات مردم به دین زدایی پرداخته اند

مخالفتان عفت، حجاب و عفاف را سدی در برابر آزادی زن معرفی کرده و اظهار می دارند که دین مانع آزادی های خدادادی زن است یا مانع رسیدن به مدارج عالیة تحصیلی و فعالیت های اجتماعی است. سهمگین ترین بخشی که دشمن ابزارش را قوی تر کرده، وارد شدن به تحلیل فکری جوانان و والدین است. اما این مسئله کاملاً در اسلام رد می شود با کمی دقت به زندگی زنان معصوم می توان به چنین مسئله ای پی برد. به عنوان مثال حضرت فاطمه (س) پس از شکست مسلمانان در جنگ احد و فرار بعضی سربازان که هفتاد تن از بانوان رشید و با ایمان به سوی میدان احد آمدند و با تقبیح فراریان و تشجیع مسلمانان و انجام فعالیت های وسیع خود، از رسول اکرم دفاع نمودند (شریعی، ۱۳۷۴). در جنگ خندق نیز که مدینه در محاصره قرار داشت، حضرت زهرا (س) نان می پخت و بخشی از نیازمندی های مجاهدان سنگر نشین را تأمین می فرمود (دشتی، ۱۳۷۲).

تأثیر حجاب بر سلامت جامعه

ارزش آثار و نتایج عفاف و حجاب را زمانی به خوبی می توان دریافت که با فقدان آن در جامعه ای مواجه باشیم. برای آگاهی از عوارض بی عفتی و بی حجابی باید به جوامعی مراجعه کرد که در این زمینه پیشگام بوده اند. در چنین صورتی خواهیم دید که به اسم تمدن و آزادی چه بسیاری عوارض فرهنگی، بهداشتی، روانی، اخلاقی، اقتصادی و سیاسی گریبانگیر آن جامعه شده است. کم اهمیت دادن به عفاف، حجاب و اجرای آن در جامعه خود زمینه ساز انحطاط است و آثار زیانبار فردی و اجتماعی را به دنبال خواهد داشت (عامری، ۱۳۸۶). در کل برای باز شدن مطلب اگر بخواهیم سلامت جامعه را به طور صحیح و جامع بررسی کنیم باید به دو جنبه سلامتی یعنی سلامت جسم و روان بپردازیم؛

الف) سلامت و بهداشت جسم در جامعه:

عفت ورزی، زمینه فساد و انحراف، که باعث ایجاد، رشد و ترویج بسیاری از آلودگی های جسمی است را از بین می برد و از این طریق نقش خود را در سلامت جسمی افراد جامعه ایفا می کند. انحرافات جنسی سبب ایجاد و افزایش بسیاری از بیماری های پوستی و مقاربتی از قبیل: سیفلیس، سوزاک، ایدز و... می شود. بیماری ایدز که مهلک ترین بیماری عصر حاضر است ابتدا در سال ۱۹۸۱ در افراد همجنس باز شناخته شد. ۱۳ سال بعد به عنوان یک اپیدمی جهانی که هر لحظه رو به گسترش است اعلام شد. سازمان جهانی بهداشت در دسامبر ۲۰۰۰ گزارش داد که تا پایان سال ۲۰۰۰ در جهان ۳۶/۱ میلیون مرد و زن و کودک حامل ویروس ایدز یا مبتلا به آن بوده اند و تا کنون ۲۱/۸ میلیون نفر نیز بر اثر این بیماری جان خود را از دست داده اند (روزنامه آفتاب، ۱۳۸۰). از راه های اصلی انتقال این بیماری، فساد و روابط جنسی ناسالم است و بهترین راه کنترل این بیماری رعایت عفت جنسی و مراعات دستورات و احکام اسلامی است.

ب): سلامت و بهداشت روانی در جامعه:

رعایت حجاب، به علت تأثیر زیاد آن در استحکام خانواده به عنوان پایه و اساس اجتماع و نیز تأثیر آن در

ساخته شدن فرزندان (با تربیت صحیح) و پاک نگه داشتن محیط اجتماع از عوامل تحریک آمیز حیوانی، در سلامت و پاکی روان اجتماع مؤثر است. معلوم است وقتی کانون خانواده گرم و پر جاذبه باشد، این گرمی و استحکام در بالا بردن روحیه عمومی مردم و جامعه تاثیر بسزایی خواهد داشت. وقتی کودکان چنین خانواده‌ای با تربیت صحیح و تعادل روحیه و افکار مفید، پرورش یافتند، در جامعه منشأ سازندگی، ترقی و تعالی می شوند. از طرفی با رعایت حجاب، ریشه بسیاری از تفاخرها، تکاثرها، اسراف‌ها، تحریک‌های بی موقع در اجتماع کنده خواهد شد و بذر فساد خشکیده می گردد و در عین حال زنان و مردان در صحنه اجتماع بدون تشنجات فکری در کنار هم به تعامل می پردازند (بنی حسن، ۱۳۸۶).

ابعاد ثمرات و فواید حجاب

از جمله ثمرات حجاب می توان به موارد زیر اشاره کرد (عامری، ۱۳۸۶):

۱) استحکام خانواده:

اگر عفاف و حجاب در جامعه‌ای کاملاً رعایت گردد، روابط جنسی به حیطه خانواده محدود شده و حریم زن و مرد در بیرون از منزل حفظ می شود، در نتیجه جوانان به ازدواج تمایل بیشتری پیدا کرده و خانواده‌های تشکیل شده نیز ثبات بیشتری خواهند داشت.

۲) آرامش روانی:

عفاف بازدارنده بسیاری از التهابات و هیجانات روحی است. نبودن حریم میان زن و مرد، ترویج معاشرت‌های بی بند و بار و دیدن صحنه‌های تحریک آمیز، به صورت یک عطش اشباع‌نشده در می آید. اسلام با تعدیل و رام کردن این التهابات از طریق محدود کردن نگاه، پوشش و بالاخره رعایت عفاف در همه زمینه‌ها برای فرد آرامش روحی و روانی به ارمغان می آورد.

۳) سلامت اجتماع:

حضور زنان و مردان در جامعه به صورتی که هیچگونه تحریک جنسی با آن همراه نباشد، آن جامعه را استوار و مستحکم می کند.

۴) حفظ طراوت و زیبایی:

با توجه به آرامش روانی که زنان با مراعات عفت و حجاب به دست می آورند طراوت و زیبایی آنان پایدارتر خواهد بود. امام صادق (علیه السلام) نیز حجاب زن را برای طراوت و زیبایی اش مفید می داند.

۵) تمرکز حواس:

با رعایت عفاف و حجاب امتیازها، آراستگی‌ها و زیبایی‌های ظاهری جهت‌ی صحیح می یابد، از انحراف فکر و ذهن که همیشه مورد وسوسه شیطان است کاسته می گردد. حواس، فکر و ذهن متوجه ارزش‌های واقعی و کمال‌جویی می شود.

۶) بهداشت و سلامت جسمی:

عفت و ورزشی، فرد را از آلودگی‌های جسمی و بیماری‌های خاص مقاربتی برحذر می دارد.

۷) پاک‌ی نسل انسانی:

حفظ عفاف باعث می‌شود رحم‌ها پاک و نسل‌ها شناخته شده باشند. کودک باید احساس کند دارای سرپرست، پشتیبان، عزت و شخصیت است، نه وجودی وانهاده و بی‌صاحب که از عشقی آلوده و لحظه‌ای به وجود آمده است. در فرهنگ غنی اسلام مسئله پاک‌ی رحم و نقش آن در سلامت فرد، خانواده و جامعه بسیار مهم قلمداد شده، به گونه‌ای که «اصلاب پاک و ارحام مطهر» عاملی اساسی برای هدایت انسان و اجتماع معرفی گردیده و ارزشمندترین انسان‌ها کسانی بوده‌اند که در دامن‌های عقیف رشد کرده‌اند.

راهکارهای مقابله‌ای مؤثر با بدحجابی و بی‌حجابی

هرچه بر میزان پیشرفت و توسعه علمی بشر امروز افزوده می‌گردد، نیاز او به اخلاق، معنویت و ارزش‌های انسانی بیشتر می‌شود. علت اینکه چرا هر روز گرایش‌های دینی در سطح جهان بیشتر خودنمایی می‌کند، آیا جز این است که پیشرفت و توسعه تکنولوژی بدون لحاظ نیازهای حقیقی انسان به امور دیگر، هرگز نتوانسته پاسخگوی خواست‌های درونی انسان‌ها باشد؟ حال چه باید کرد؟ چگونه می‌توان برای بهبود وضعیت انسان‌ها و به‌ویژه قشر جوان که نقش بیشتری در آینده‌سازی فردای جامعه دارند راهبرد عملی ارائه داد؟ آنچه در ذیل آمده است بخشی از راهکارهایی است که با سرمایه‌گذاری در جهت اجرای آنها می‌توان شاهد جامعه‌ای با هویت و بالنده بود.

۱) تقویت ایمان و دینداری:

در کل بسیاری از ما که تجربه‌های معنوی و دینی داشته‌ایم، معمولاً می‌گوییم تجربه ما فراتر و قویتر از واژه‌ها و فراتر از تفکر و ذهن است (هی، ۱۹۸۲ و ویلبر^۱، ۱۹۸۳). به همین دلیل یکی از عوامل مهم جلوگیری از جرم در جوامع دینی، پایبندی به ارزش‌ها و اعتقادات دینی است. با تغییر ارزش‌ها از ارزش‌های دینی به سوی ارزش‌های مادی، قدرت دین به عنوان بازدارنده قوی فرو می‌ریزد، افراد نسبت به مسائل دینی بی‌اعتقاد می‌گردند و انواع انحرافات اخلاقی، به‌وفور در بین آنها به چشم می‌خورد (رمضان نرگس، ۱۳۸۳).

۲) دادن آگاهی‌های فرهنگی و اجتماعی:

در کل در مملکت اسلامی علم را باید به دست آورد و نشر داد و با تعلیم و تربیت دیگران خورشید دانش را روشن کرد (زرهانی، ۱۳۷۶). تلاش برای هوشیار کردن بی‌خبران در مورد زندگی، ضرورت‌های آن، بیان مفاسد و بی‌بند و باری‌ها، عواقب بد امور، عوارض بی‌عفتی و بی‌حجابی در جامعه از راه‌های اصلاح جامعه است. باید افراد آگاهی‌یابند که ترویج بی‌عفتی و بی‌حجابی در جامعه از توطئه‌ها و دسیسه‌های اجانب و استعمارگران است. باید به زنان گفت که هیچ طلافروشی، طلاهایش را بر سر کوی و برزن فریاد نمی‌کند. پس آنها نیز باید از طلای وجودی خود محافظت کنند (زواریان، ۱۳۷۷). «مستر همفر^۲»، جاسوس انگلیسی در ممالک اسلامی، در خاطرات خود می‌نویسد: «در مسئله بی‌حجابی زنان باید کوشش فوق‌العاده‌ای به عمل آوریم تا زنان مسلمان به بی‌حجابی و رها کردن چادر مشتاق شوند» (عامری، ۱۳۸۶).

۱. Wilber
۲. Homfar

خداوند متعال در قرآن درباره توطئه و برنامه ریزی منافقان در زمینه نفی عفت عمومی، می فرماید:
 «ان الذين يحبون ان تشيع الفاحشه في الذين امنوا لهم عذاب اليم في الدنيا والاخره...»
 یعنی منافقان کسانی هستند که به اشاعه فساد و فتنه گری تمایل دارند و مرحله اول کارشان گسترش و سوسه و هوس است، سعی می کنند به هیجانان عاطفی جوان ها دامن بزنند تا فساد در بین ایمان آورندگان علنی شود (سوره مبارکه نور، آیه ۱۹).

احیاء ارزش های اصیل اسلامی و فراخوانی زن مسلمان به تعقل و دریافتن ارزش ها و آفریدن روح تعبد و تعهد نسبت به اینها نقش مهمی در این زمینه خواهد داشت (بنی حسن، ۱۳۸۶).

۳) بهبود بخشیدن وضع معیشتی مردم و رفع مشکلات اقتصادی:

علامه طباطبائی (ره) در این باره می نویسد: «قطعاً مهم ترین چیزی که جامعه انسانی را براساس خود قوام می بخشد و پایدار می سازد، امور اقتصادی جامعه است که خداوند آن را مایه قوام و برپایی اجتماع قرار داده است. اگر در مقابل این فقر و غنای مذموم، قناعت را پیشه خود کنیم، آسایش و راحتی فراهم می شود. در چنین وضعی عفت و رزق معنای یابد و راه تعالی گشوده می شود. در شرح غررالحکم جلد ۵ آمده است که «من اقتنع بالكفاف اداه الی العفاف» یعنی «هر که به کفاف قناعت کند به پاکدامنی کشانده می شود». بنابراین این کوشش در وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم و تقسیم عادلانه ثروت در جامعه می تواند عاملی برای رسیدن جامعه به سعادت و صلاح (حیات طیبه) باشد... (عامری، ۱۳۸۶).

۴) معرفی الگوی مناسب برای جوانان:

جوانان که آینده ساز فردای جامعه اند، نیازمند مدل و الگو می باشند. فرزندان ما در مدت کوتاهی رشد کرده و وارد جامعه می شوند. ازدواج کرده و در نقش مادری و یا پدری به انجام وظیفه می پردازند. طبعاً باید موضوعی را در زندگی انتخاب و به اتخاذ راه و روشی پردازند. این برایشان مهم است که بدانند براساس چه الگو و چه روشی باید به پیش روند و چه کسانی حق دارند پیشوا و قائدشان در جریان زندگی باشند. خداوند در قرآن به معرفی انسان های نمونه اعم از زن و مرد پرداخته و مومنان را به انتخاب راه و روش آنها رهنمون می دارد. در نقش کلی و اساسی تربیتی، پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) برای مردم اسوه است. «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه» (سوره مبارکه احزاب، آیه ۲۱) و به دنبال ایشان حضرت فاطمه (سلام الله علیها)، که سیده نساء عالمین، پیشوای عظیم الشان زنان و پاسدار حریم عفاف است. امروزه یکی از تأسف های جدی این است که زن مسلمان آن چنان که باید و شاید با چهره های بلند تاریخ اسلام آشنا نیست، زندگانی حضرت زهرا (س) و فرزند برومندش، پیام آور عاشورا حضرت زینب (س) باید برای زن مؤمنه نشان داده شود تا بنگرد با حفظ هویت و شخصیت و وقار می تواند در جامعه حضور پیدا کند و ایفای نقش نماید. کلامی از امام صادق علیه السلام درباره الگوی مناسب، تأمل بر انگیز و قابل توجه است که می فرمایند: «الهموهن حب علی علیه السلام وذروهن بلها»

«به زنان دوستی آل علی علیه السلام را الهام کنید و به همین مسائل اندک رهایشان کنید».

زن اگر حب علی را فرا گرفت و او را راهبر شناخت و خاندان او را به عنوان الگو پذیرفت و بر راهی رفت که اهل بیت علیه السلام رفته اند و آنان را سرمشق قرار داد، رویین تن می شود و حضورش

در جامعه دلهره آفرین نخواهد بود (بنی حسن، ۱۳۸۶).

۵) تسهیل در امر ازدواج و ارائه آگاهیهای لازم در این خصوص:

در حالی که ازدواج، نیاز طبیعی است، زمانی که این نیاز تأمین نشود، می تواند مشکلات و تبعات جبران ناپذیری از جمله تجاوز جنسی را برای فرد و جامعه به همراه آورد (رمضان نرگس، ۱۳۸۳). برای آگاهی بهتر جوانان در خصوص ازدواج به ایجاد مراکز مشاوره ازدواج، مراکز آگاهی بخش در خصوص انتخاب همسر، برگزاری سمینارهایی با موضوع ازدواج پرداخته شود. تا بدین وسیله زمینه ازدواج های موفق فراهم شده و زمینه بروز انحرافات، هرچه بیشتر از بین برود. البته همان طور که ریچاردز و برگین^۱ (۱۹۹۷) بیان می کنند زمان آن رسیده که در مشاوره، راهکارهای معنوی، با نظریه و روش های علمی روان درمانی ترکیب شود و فلتهام^۲ (۱۹۹۵) نیز تأکید می کند لازم است که مشاوره را در چارچوب مذهب قرار دهیم. زیرا مفاهیمی همچون وجدان و آگاهی عهد و پیمان، نوع دوستی، عشق و اعتراف و غیره... در مذهب، برای مشاوره اهمیت بسزایی دارند. که البته طبق بیان سوونیتون^۳ (۱۹۹۶) تنها در برنامه های محدودی از آموزش مشاوران، از معنویت به عنوان بخش سالم زندگی انسانی نام برده شده است.

۶) اتخاذ سیاست هایی به منظور ایجاد محیط های امن برای بانوان:

اگر محیط های شغلی زنان امن باشد و تماس آنها در محیط کار با نامحرم کمتر شود، فشاری که از ناحیه حفظ حجاب برای عده ای ممکن است ایجاد شود، کاهش می یابد. رئیس انستیتو تعلیم و تربیت آلمان در «کیل» نیز در کتاب خود اینگونه نوشت که؛ حضور مجزای دختران و پسران در کلاس های درس مخصوص در دوره ابتدایی می تواند در یادگیری دختران تأثیر بسزایی داشته باشد (روزنامه رسالت، ۱۳۷۳).

۷) ایجاد مراکز تفریحی، ورزشی و هنری:

این مکان ها ضمن ایجاد محیطی سالم برای اوقات فراغت جوانان باید از جاذبه های خوبی نیز برخوردار باشد.

۸) نظارت و کنترل بر واردات محصولات فرهنگی:

این محصولات فرهنگی که اشاعه دهنده خواسته های غرب و بدحجابی است می تواند با کنترل و نظارت صحیح خنثی شده و ناکارآمد شود.

۹) شناسایی، تعزیر، تهدید و برخورد با مفاصل اجتماعی توسط دستگاه قضائی و نیروهای انتظامی (عامری، ۱۳۸۶).

تحقیقات بیان شده در جرایم در زمینه اثرات بی حجابی و بی بند و باری:

- طبق گزارشی که اخیراً از طرف اداره «تحقیقات اجتماعی آمریکا» انتشار یافته، تعداد نوزادان غیر قانونی نسبت به ده سال قبل ۴۷٪ افزایش یافته است (رزاقی، ۱۳۷۱).

- به گزارش تحقیقاتی که از سوی اداره مطالعات آمار جمعیت تهیه گردیده، زوج های انگلیسی که قبل از ازدواج با هم رابطه نامشروع داشته اند ظرف ۱۵ سال اول زندگی خود حداقل ۴۰٪ بیشتر از سایرین در معرض

۱. Richards & Bergin

۲. Feltham

۳. Swinton

خطر طلاق قرار دارند و در سال های پس از آن نیز، با احتمال ۶۰٪ زندگی زناشویی آنان به طلاق و جدایی منجر خواهد شد (روزنامه کیهان، ۱۳۷۱، نقل از محمدی نیا، ۱۳۸۰).

- بین سال های ۱۹۸۶ و ۱۹۹۲، در آمریکا ۸۰۰ هزار نفر از همسران شان جدا شدند و فرانسه، آلمان، سوئد، ایتالیا و انگلستان نیز با فاصله کمی به دنبال آمریکا هستند. به گزارش سی.ان.ان برآورد مؤسسات بین المللی و پیگیری امور خانوادگی نشان می دهد که از هر سه ازدواج در آمریکا یکی به طلاق می انجامد (کیهان، ۱۳۷۱، نقل از محمدی نیا، ۱۳۸۰).

- از هر ۵ کودک بیش از یک کودک نامشروع توسط زنان ازدواج نکرده است. در آمریکا به گزارش آسوشیتد پرس به نقل از مرکز ملی آمار بهداشتی، این مسئله حتی در زنان ۳۰ الی ۴۰ سال و بالاتر و حتی در سطح دختران ۲۰ سال کمتر رسیده است (کیهان، ۱۳۷۱، نقل از محمدی نیا، ۱۳۸۰).

- تحقیقات در انگلستان نشان می دهند، ۱۷۳۹۰۰ مورد سقط جنین به طور قانونی صورت گرفته است که تقریباً ۳/۱ این رقم متعلق به دختران نوجوان زیر ۲۰ سال بوده است (مجله زن روز، ۱۳۷۰).

بحث و نتیجه گیری

گوهر اسلام، سعادت و نجابت آدمی است و باورهای دینی و احکام اخلاقی و فقهی در راستای این غایت نازل شده اند. در حقیقت، هدف کلیه آموزه هایی که از سوی خالق حکیم صادر می گردند چیزی جز پاسخگویی به همه نیازهای روحی و جسمی، مادی و معنوی، و فردی و اجتماعی انسان نیست. در نتیجه، احکام الهی مربوط به عفاف زن نیز با توجه به همین غایت و هدف صادر شده اند. عفاف یک حالت روحی و فضیلت اخلاقی است که سبب می شود انسان اندام ظاهری خود را وسیله خودنمایی و جلب توجه دیگران قرار ندهد و اطرافیان نتوانند از او هیچگونه سوء استفاده ای کنند. اگر چه عفاف خصلت هر انسان بافضیلتی، اعم از مرد و زن است اما وجود آن در زنان و دختران جلوه ای زیباتر و برتر دارد. زن آیت جمال خلقت است و این زیبایی هم در باطن و هم در ظاهر او متجلی است. احساس لطیف زن که چون سایه رحمت الهی، خانواده را فرا می گیرد و بال های مهربانی اش فرزندان را در فضای گرم، آرام و مطبوع خود آرامش می بخشد، با زیبایی ظاهری عجین شده است.

از این رو مسئله حجاب از دیرباز مورد توجه و بحث و بررسی دانشمندان و روشنفکران چه در شرق و غرب عالم و چه در داخل و چه خارج از کشور، بوده است. دامنه این سخنان و گستره عقاید برخاسته از آن، در مقام تحلیل و بررسی، تا آنجا پیش می روند که برخی از افراد «حجاب» را شاخصی «محدود» کننده و عامل «تضییع» در زیست فردی و حضور اجتماعی زنان در جامعه اسلامی می دانند و حتی از این رهگذر، خواهان منع یا دست کم اختیاری شدن آن می شوند و گاه گروهی دیگر، با دفاع نامناسب و ناآگاهانه خود، راه را بر محقق جلوه دادن گروه نخستین هموار می کنند.

اما اگر به تاریخ اسلام نگاه منصفانه داشته باشیم متوجه خواهیم شد که فراوان بوده اند زنان مؤمن متدین و پاکدامنی که با رعایت حجاب و پوشش اسلامی در کنار مردان در صحنه های سیاسی، فرهنگی و حتی نظامی، حضور داشته و فعالیت نموده اند. در عین حال حضور افراد در اجتماع و فعالیت های سیاسی، فرهنگی

و اقتصادی به خصوص برای قشر خانم ها، ایجاد امنیت لازم در جامعه خواهد بود و از جمله عوامل بسیار مهم و اساسی که در جهت آرامش و آسایش فرد و خانواده و امنیت در اجتماع، نقش مهمی ایفا می کند، داشتن حجب و حیا، رعایت اصول و ارزش های دینی و مذهبی از جمله رعایت حجاب و پوشش اسلامی توسط زنان و مردان متدین خواهد بود. اگر به آیات شریفه قرآن کریم و احادیث معصومین در ارتباط با پوشش اسلامی دقت کرده و اشارت ظریف و لطیف آن، مورد ارزیابی قرار گیرد، این اصل و استنباط به دست خواهد آمد که حجاب، محدودیت نیست بلکه مصونیت است. مصونیتی که فرآیند و محصول آن، سلامت، بهداشت و آرامش افراد خانواده ها و امنیت در جامعه خواهد بود.

همه این دستورات برای آن است که رعایت حجاب، علاوه بر انجام تکلیف الهی، سلامت و بهداشت روحی و روانی و آرامش و امنیت فردی و اجتماعی را به دنبال دارد و تخلف و سرپیچی از آن، یعنی چشم چرانی، آلوده کردن دامن، آشکار ساختن زینت و زیورآلات، صحبت کردن با ناز و کرشمه و لهجه های مخصوص و مهیج و پوشیدن لباس های نازک و بدن نما، هر کدام به نوبه خود، باعث فساد، عیاشی، تجاوزگری و اضطراب و ناامنی می شود و جامعه را به هرج و مرج می کشاند. پس برای ایجاد سلامت اجتماعی از طریق رعایت حجاب، به کارگیری برخی راهکارها الزامی می باشد. که از جمله آنها می توان به موارد زیر اشاره کرد؛

- حفظ حدود و مرزها در روابط اجتماعی؛
- توسعه فرهنگ عفاف در اقشار گوناگون جامعه؛
- توجه به حفظ حدود و شعائر، اهتمام به ارزش ها؛
- نظارت موثر بر فیلم های سینمایی و تلویزیونی به منظور پرهیز از تبلیغ و ترویج روابط ناصحیح اجتماعی و از طرفی توسعه فرهنگ عفاف؛
- اعمال شیوه های تربیتی موثر مبتنی بر شناخت صحیح از افراد و محیط در مکان های آموزشی وابسته به آموزش و پرورش و آموزش عالی؛
- پرهیز از ترویج لباس های نامناسب، استفاده از مدل های مبتدل و نمایش مظاهر غریبزدگی.
- در پایان با نگاهی کلی به مجموع مطالب یاد شده چنین می توان استنباط کرد که رعایت حجاب و پوشش اسلامی برای زنان و مردان مؤمن و مسلمان، تکلیف الهی است. رعایت آن، علاوه بر این که موجب عمل به دستورات الهی می شود، شخصیت فردی اجتماعی و معنوی انسان محجوب و پاکدامن، سیر صعودی پیدا کرده و نردبان تعالی و تکامل را یکی پس از دیگری طی خواهد کرد و از سوی دیگر در تأمین بهداشت روحی و روانی و آرامش خانواده ها و ایجاد نورانیت و امنیت در جامعه نقش به سزایی ایفا می کند. به امید روزی که جوامع اسلامی و انسانی از تمام آلودگی ها تصفیه شود و زمینه حضور زنان و دختران بدون دغدغه و دلواپسی، در همه اجتماعات جهانی فراهم گردد.

منابع

- قرآن کریم.
 باشگاه اندیشه (۱۳۸۶) پاراگراف شماره ۵، مراجعه در ۲۲ نوامبر ۲۰۰۷، [www. Bashgah. net/](http://www.Bashgah.net/pages-11066.htm)
- بنی حسن، مریم (۱۳۸۶) پاراگراف شماره ۱۰، مراجعه در ۲۲ نوامبر ۲۰۰۷، [narjes.org/banoo/](http://narjes.org/banoo/woman/woman.htm)
- دشتی، محمد (۱۳۷۲) نهج الحیاه، فرهنگ سخنان فاطمه علیه السلام، چاپ اول، نشر مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع)، تهران.
- رجبی، عباس (۱۳۸۵) پاراگراف شماره ۲، مراجعه در ۲۴ نوامبر ۲۰۰۷، porsojoo.com/fa.www
- رزاقی، احمد (۱۳۷۱) عوامل فساد و بدحجابی و شیوه های مقابله با آن، چاپ چهارم، نشر سازمان تبلیغات اسلامی، تهران.
- رمضان نرگس، رضا (۱۳۸۳) تجاوز و بزه دیدگی زنان، کتاب زنان، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماع زنان، انتشارات شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال ششم، شماره ۲۳، بهار ۱۳۸۳.
- زرهانی، سید احمد (۱۳۷۶) نگاهی به فرهنگ ارزش ها (دفتر نخست)، چاپ اول، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، تهران.
- زواریان، زهرا (۱۳۷۷) رایحه نجابت، چاپ یازدهم، انتشارات مدرسه، تهران.
- شریعی، محمد باقر (۱۳۷۴) فلسفه حجاب، نشریه ماهانه آموزشی، تربیتی پیوند، شماره ۱۹۴، آذر ۱۳۷۴، ص ۲۱-۱۶.
- عامری، حمیده (۱۳۸۶) پاراگراف شماره ۱۴، مراجعه در ۲۲ نوامبر ۲۰۰۷، [mnarjes.org/banoo/](http://mnarjes.org/banoo/woman/woman27.htm)
- عزیزی، محسن (۱۳۸۵) پاراگراف شماره ۱۲، مراجعه در ۲۵ نوامبر ۲۰۰۷، [http://mohsenaziz. blogfa. com/post-225. aspx](http://mohsenaziz.blogfa.com/post-225.aspx)
- گر جی، علی (۱۳۸۵) حملات به حجاب، چرا و چگونه؟!، چاپ دوم، انتشارات بنیاد بین المللی غدیر، نمایندگی استان خوزستان، اهواز.
- مجله زن روز (۱۳۷۰) شهریور ماه، شماره ۱۳۳۰.
- محمدی نیا، اسدالله (۱۳۸۰) آنچه باید یک زن بداند، چاپ ششم، انتشارات علمی فرهنگی صاحب الزمان، ورامین.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵) مسئله حجاب، چاپ چهل و سوم، انتشارات صدرا، تهران.
- نظیری، سیما (۱۳۷۷) رشد شخصیت و بهداشت روانی، چاپ چهارم، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، تهران.

- Allman, L. S. , De La Rocha, O. , Elkins, D. N. & Weathers, R. S. (1992). Psychotherapists' attitudes towards clients reporting mystical experiences', *Psychotherapy*, 29(4):654-69.
- Assagioli, R. (1986). 'Self-realisation and psychological disturbance', *Revision*, 8(2):21-31.
- Denzin, N. K. (1989). *Interpretive Interactionism*. Newbury Park, CA: Sage.
- Elkins, D. N. , Hedstorm, L. J. , Hughes, L. L. , Leaf, J. A. & Saunders, C. (1988) 'Towards a humanistic-phenomenological spirituality', *Journal of Humanistic Psychology*, 28(4):5-18.
- Farrow, J. (1984). 'Spirituality and self-awareness', *The Friends Quarterly*, July: 312-23.
- Feltham, C. (1995). *What is Counselling?* London: Sage.
- Graves, R. (1961). *The White Goddess: a Historical Grammar of Poetic Myth*. London: Faber And Faber.
- Hay, D. (1982). *Exploring Inner Space: Scientists and Religious Experience*. Harmondsworth: Penguin.
- Hay, D. & Morisy, A. (1978). 'Reports of ecstatic, paranormal, or religious experiences in Great Britain and United States – a comparison of trends', *Journal for the Scientific Study of Religion*, 17(3):255-68.
- Richards, P. S. & Bergin, A. E. (1997). *A Spiritual Strategy for Counseling and Psychotherapy*. Washington, DC: American Psychological Association.
- Stone, M. (1976). *The Paradise Papers: the Suppression of Woman's Rites*. London: Virago.
- Swinton, V. (1996) 'A study of the attitudes to the exploration of spiritual awareness in counseling training'. MA thesis, Department of Applied Social Studies, Keele University.
- Wilber, K. (1983). *A Sociable God: Towards a New Understanding of Religion*. Boulder, CO: Shambhala.

تاریخ وصول: ۸۹/۳/۱۸

تاریخ پذیرش: ۸۹/۴/۱